

تعالیه غش ده ظاهر بود و چون حضرت که آمدی
نماند که آنحضرت را شناسد زیرا هرگاه در کلاس
مخفی باج الله الحجه الباتیه صادق میرانم و کلام عالی در میان
بر فلانی ایماکم نیز فانی عزیز که در عدالت الهی حقیم
میریس که حال این دشمنان شده که او را می شناسند
و غیر دنیات آنحضرت را میس است و آن که آن
حضرت را شناخت و با مراد او را بر نیات را بر آنحضرت
بر سایر خلقی سلطان است و در هر حال بیرون است باید
سلطنت ظاهر بر او در امکان است با او نیز نیات و در
حیث نزد آنحضرت زمان من با رحمان است ای سلطان
آنکه حضرت را بنیبت سوره انم و شنیده اند که امام
ایشان بگویند نعمت است و بگویند که حق تعالی بگویند

ایمان سلطان حسن

مکش سلطان حسن که در کلاس زار کرد و دولت سید که
منقوش کرده همه خلقی را اقتدار عمارت و سایر رفیقان
ایماک طینی که به نیابت نائب امام مستند سلطنت نشسته
و اعیان خراج را بگریزیدند که نشانی نماند و در کلاس
بودند که تا طاعت نائب آنحضرت را آنحضرت بر سر سلطنت
مستثنی بودند و جیم بنام خود را می و می او به نسبت بقرآن نشسته
باج سلطنت را از زینت آن برداشته بر آمدند و همه در آنجا
به نشات است و همه ایشان بر رخ سید اهل ماست
نشد و به جیم سید سید خند که سید سید سید
و مقبولت و کل را امر او دولت همه میدانند که از وی
و نائب حضرت صاحب الامر و الزمان آن قائل
قول بی مع الله آن دارش باج نعمت اله سید محمد